

حق برابری امکانات در اساسنامه، قواعد دادرسی و رویه قضایی

دادگاههای کیفری بین‌المللی

دکتر علیرضا تقی‌پور*

چکیده

دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو به عنوان اولین دادگاه‌های کیفری بین‌المللی زمانی توسط متفقین تشکیل شدند که مقررات بین‌المللی در خصوص حقوق متهم وجود نداشت. اما پس از پایان جنگ دوم جهانی، گام‌های مؤثری در این جهت برداشته شد. اسناد متعددی در سطح جهانی و منطقه‌ای، این موضوع را به تفصیل مورد اشاره قرار دادند و ساز و کارهایی نیز همانند کمیته حقوق بشر سازمان ملل و دیوان اروپایی حقوق بشر برای اجرای آنها پیش‌بینی گردید. نهادهایی که با تفسیر حقوق متهم، کمک قابل توجهی در پیشبرد و توسعه آن ایفا کرده‌اند. حق برابری امکانات، از جمله این حقوق به شمار می‌رود. به این ترتیب انتظار می‌رفت که دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی و رواندا با توجه به تحولات اخیر، به خوبی قادر به رعایت این حق در جریان دادرسی شوند. اما مغایرت آراء صادره توسط این دادگاه‌ها با تفاسیر ارائه شده از نهادهای نظارتی حقوق بشر، بیانگر آن است که هر دادگاه با توجه به ساختار و اهدافی که دنبال می‌کند، می‌تواند تفسیر متفاوتی از مصادیق حقوق متهم ارائه دهد. مقررات اساسنامه و قواعد دادرسی دادگاه کیفری بین‌المللی نیز به گونه‌ای تنظیم

* استادیار دانشگاه بوعلی سینا همدان.

گردیده که احتمال نادیده گرفته شدن حق برابری امکانات را به وجود آورده است.

کلید واژگان

دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، حقوق متهم، حق برابری امکانات، اسناد بین‌المللی،
نهادهای نظارتی حقوق بشر.

مقدمه

پس از جنگ دوم جهانی و تحت تأثیر نظریات مکاتبی همچون مکتب دفاع اجتماعی جدید، اسنادی همانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر حاوی حقوق اساسی و بنیادی انسان به تصویب رسیدند^۱ که مقررات مشابهی را در خصوص حقوق متهم پیش‌بینی کرده‌اند. به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد تکرار مقررات مشابه در معاهدات مختلف، به آن مقررات، ارزش حقوقی صرف نظر از وجود معاهدات اعطا می‌کند که می‌تواند به عنوان مبنایی برای استنباط قاعده عرفی^۲ مد نظر قرار گیرد. آراء و تصمیمات قضایی نیز به عنوان یکی دیگر از منابع حقوق بین‌الملل، نقش مهمی در تفسیر این قواعد می‌توانند ایفا کنند. در این میان آرای محاکم داخلی، دولت‌ها را در روابط بین‌المللی خود ملزم نمی‌سازد.^۳ اما نهادهای بین‌المللی مرجع مناسبی به این منظور به شمار می‌روند. به همین دلیل در طول چند دهه گذشته نیز کمیته حقوق بشر سازمان ملل و دیوان اروپایی حمایت از حقوق بشر به عنوان نهادهای ناظر بر اجرای این اسناد با تفسیر مقررات راجع به حقوق متهم، علاوه بر تعیین حدود و قلمرو، موجبات توسعه و تکامل آن را فراهم کرده^۴ و از این طریق باعث ایجاد تغییراتی در قوانین داخلی کشورها شده‌اند.^۵

۱. کریستین، لازر؛ درآمدی به سیاست جنایی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی، ج اول، نشر میزان، ۱۳۸۲، ص ۱۲۵.

۲. عرف که به تکرار رفتار مشابه توسط تعداد کثیری از تابعان حقوق بین‌الملل تعریف شده دارای دو رکن مادی و روانی است. رکن مادی آن تکرار یک عمل حقوقی در یک مدت زمان طولانی و رکن روانی آن، اعتقاد به الزامی بودن آن عمل است. (محمدرضا، ضیایی بیگدلی؛ حقوق بین‌الملل عمومی، انتشارات گنج دانش، چ پانزدهم، ۱۳۸۰، ص ۱۴۰).

۳. گرهارد، فن گلان؛ درآمدی بر حقوق بین‌الملل عمومی، ج اول، ترجمه داود آفایی با همکاری محمدحسین حافظیان، نشر میزان، چ اول، ۱۳۷۸، ص ۳۹.

4. Bassiouni, cherif, the protection of Human Rights in the Administration of Criminal Justice. Transnational Publishers, 1994, P.143.

از جمله حقوقی که متهم از آن برخوردار است، حق برابری امکانات است که نام‌های دیگری همچون تساوی سلاح‌ها^۶ و توازن قوا^۷ نیز بر آن نهاده شده است. از این حق به وجود فرصت و امکانات کافی جهت ارائه ادله توسط هر یک از طرفین و بررسی و ارزیابی دلایل طرف دیگر تعریف شده^۸ و سابقه تاریخی آن به اصل *audi altera partem* "لازمه قضاوت شنیدن اظهارات طرفین دعوی است" بر می‌گردد.^۹

حق برابری امکانات، بیشتر به سیستم دادرسی اتهامی نسبت داده شده^{۱۰} و علت این امر می‌تواند آن باشد که هر یک از طرفین دادرسی، بدون دخالت قاضی به دنبال جمع‌آوری ادله بوده و از دلایل یکدیگر آگاهی ندارند.^{۱۱} به همین دلیل و به جهت آن‌که در جلسه محاکمه، در وضعیت نامساعدی قرار نگیرند، باید از دلایل جمع‌آوری شده توسط طرف مقابل آگاهی یابند. اما با توجه به این‌که چه در سیستم دادرسی تفتیشی و چه

۶. لویا، لوین سش و پاسخ درباره حقوق بشر، ترجمه محمد جعفر پوینده، ج اول، نشر قطره، ۱۳۷۷، ص ۴۶.
 ۷. محمد، آشوری؛ آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، تهران، انتشارات سمت، ج هفتم، ۱۳۸۵، ص ۳۴.
 ۸. جلیل، امیدی؛ «دکتر آشوری و حقوق دفاعی متهم»، علوم جنایی، (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، تهران، انتشارات سمت، ج اول، ۱۳۸۳، ص ۲۳۵.

8. Safferling, christoph j. M, towards an international criminal procedure, first published, oxford university press, 2001. p. 265

9. Fawcett, J.E.S, The Application Of The European Convention On Human Rights, Second Edition , Oxford University Press, 1987, p.154.

10. Zappala, Salvatore, "the rights of the Accused" in Antonio Cassese, paola gaeta and john R. W. D. Jones (eds.), the Rome statute of the international criminal court. A commentary, vol. II., oxford university press, 2002. p. 1329; Safferling, op. cit., p. 266.

11. Spencer, J.R, "The English System" In Mireille Delmas- Marty And J.R. Spencer (eds.), European Criminal Procedures, First Published, Cambridge University Press, 2002, p.176.

اتهامی، امکانات مقام تعقیب، بیش از متهم است تدریجاً این موضوع که متهم بتواند به مستنداتی که اتهامات بر مبنای آن طرح شده دسترسی یابد و دفاعیات خود را به نحو مطلوب تدارک ببیند پذیرفته شده،^{۱۲} در غیر این صورت حکم صادره از وجاهت قانونی برخوردار نخواهد بود.^{۱۳} بنابراین در حال حاضر دیگر نمی‌توان ادعا کرد که حق برابری امکانات اختصاص بیشتری به سیستم دادرسی اتهامی دارد بلکه در هر دو سیستم ولو با شیوه‌های متفاوت به رسمیت شناخته شده است.

با توجه به موارد مطروحه، در دو قسمت از اسناد بین‌المللی حقوق بشر باید در جستجوی حق برابری امکانات بود. یک قسمت که مستقیماً به برابری طرفین دادرسی اشاره دارد، در ماده ۱۰ از اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی، بند ۲ قطعنامه کمیسیون آفریقایی و بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی، پیش‌بینی شده است. در همه اسناد مذکور صراحتاً مقرر شده که هر کس با مساوات کامل، حق دارد که به دعوای او رسیدگی گردد.

قسمت دیگر حق برابری امکانات که به فرصت و تسهیلات کافی اشاره دارد در بند ۳ ماده ۱۴ میثاق، بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی، جزء ۳ از بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی و بالاخره در بند ۲ قطعنامه کمیسیون آفریقایی مطرح گردیده است. کمیته حقوق بشر، واژه تسهیلات مندرج در بند ۳ ماده ۱۴ را به معنای دسترسی به اسناد و سایر ادله‌ای دانسته است که متهم برای تدارک دفاعیاتش درخواست می‌کند.^{۱۴} در یکی از قضایای مطروحه، کمیته اعلام کرد زمانی می‌توان حق برابری امکانات را نقض

12. Ibid, p.19.

13. de Bertodano, Sylvia, "what price Defence? Resourcing the Defence at the Icty", Journal of international criminal justice, 2004, vol. 2., p. 503.

14. General Comment, No.13. para. 9.

شده دانست که دادگاه، تصمیم خود را بر اساس ادله‌ای قرار داده که امکان بررسی و ارزیابی آن توسط متهم، وجود نداشته است.^{۱۵} از دیدگاه کمیته حقوق بشر، عدم آگاهی از دلایل و ضمائم کیفرخواست نیز از دیگر موارد نقض این حق محسوب می‌شود.^{۱۶}

از نظر دیوان اروپایی، دادستان باید کلیه ادله، اعم از آنکه به نفع متهم و یا علیه او بوده را در اختیار وی قرار دهد.^{۱۷} این دیوان در آراء متعددی اعلام کرده که اگر طرفین دادرسی نسبت به اظهار نظرات و لوایح یکدیگر آگاه نشده و فرصت پاسخگویی به آن را نیز نداشته باشند، برابری میان طرفین رعایت نشده است.^{۱۸} به همین دلیل، دیوان اروپایی در تصمیمات خود، بر این نکته اصرار ورزیده که اگر دادرسی، در شرایطی انجام شود که یکی از اصحاب دعوی نسبت به طرف خود در وضعیت نامساعدی قرار گیرد، حق برابری امکانات نقض گردیده است.^{۱۹}

در این مقاله سعی شده، آراء و تصمیماتی که به آن اشاره گردید با اساسنامه، قواعد دادرسی و آراء صادره از سوی دادگاه‌های موقت کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی و رواندا^{۲۰} و دادگاه کیفری بین‌المللی به عنوان یک دادگاه دائمی که به هدف استقرار عدالت بین‌المللی ایجاد گردیده‌اند، مقایسه گردیده تا مشخص شود هر چند سلسله مراتب

15. Morael V. France, 28 July 1989.

16. Wolf V. Panama, 26 March 1992.

17. Edwards V. United Kingdom, 16 December 1992; Jasper V. United Kingdom, 16 February 2000.

18. Migon V. Poland, 25 June 2002; Schops V. Germany, 13 February 2001.

۱۹. محمد، آشوری؛ «مفاهیم عدالت و انصاف از دیدگاه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر»، محمد، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، محمد آشوری و دیگران، زیر نظر محمد آشوری، تهران، نشر گرایش، چ اول، ۱۳۸۳، صص ۳۲۷ و ۳۴۱.

۲۰. جهت جلوگیری از اطاله کلام، عبارت کیفری بین‌المللی در ادامه مقاله حذف شده است.

مشخصی میان نهادهای بین‌المللی وجود ندارد^{۲۱}، دادگاه‌های مزبور تا چه اندازه موازین حقوق بشر را در این خصوص رعایت کرده‌اند.

گفتار اول: تفسیر حق برابری امکانات

در دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا و همچنین دادگاه کیفری بین‌المللی و با توجه به تحولات نیم قرن اخیر، مقرراتی جهت دسترسی متهم به کلیه اسناد و مدارک مورد نیاز پیش‌بینی شده است. اما به نظر می‌رسد تفاسیر ارائه شده از این مقررات، باعث از بین رفتن حق برابری امکانات شده است.

الف) ادعای تبعیت از تصمیمات نهادهای نظارتی حقوق بشر

اساسنامه دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا، ضمن اشاره به برابری کامل طرفین دادرسی، برخورداری متهم از مهلت و تسهیلات کافی جهت تدارک دفاع را نیز به رسمیت شناخته‌اند.^{۲۲} در قضیه الکسوسکی، شعبه بدوی دادگاه یوگسلاوی اعلام کرد که مقصود از تساوی مندرج در ماده ۶ کنوانسیون اروپایی، فرصت معقول جهت ارائه ادله، تحت شرایطی است که هیچ یک از طرفین نسبت به دیگری در وضعیت نامساعدی به سر نبرد.^{۲۳} از جمله قضایای مطروحه در دادگاه یوگسلاوی که در آن، حق برابری امکانات مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفته، قضیه تادیچ است. در این قضیه، وکیل متهم در مرحله تجدید نظر اظهار داشت که متهم از حق دادرسی منصفانه محروم گردیده زیرا، به دلیل

21. Elzeidy, Mohamed M, "Critical thoughts on Article 59(2) of the lcc statute", journal of international criminal justice, 2006, Vol. 4, p.460.

۲۲. به ترتیب در بند ۴ مواد ۲۱ و ۲۰ اساسنامه دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا.

23. Prosecutor V. Aleksovski, case No. IT-95-14/1, 16 February 1999, para.24.

عدم همکاری نهادهای مستقر در قلمرو یوگسلاوی سابق، امکان تهیه اسناد و سایر ادله مورد نیاز برای تدارک دفاع وجود نداشته است.^{۲۴}

در پاسخ، دادستان استدلال کرد که برابری امکانات به معنای برابری شکلی نزد دادگاه است به نحوی که هر طرف دعوی، دسترسی یکسانی به اختیاراتی داشته باشد که بر طبق مقررات به دادگاه واگذار شده و به نحو یکسان، ادله خود را ارائه نماید. اما این حق، شامل امکانات مادی برابر نمی‌شود و با توجه به اینکه دادگاه وظیفه خود را در پذیرش درخواست‌ها انجام داده است، حق برابری امکانات نقض نشده و دادگاه، مسئولیتی در رابطه با عوامل خارج از اقتدار خود ندارد.^{۲۵} دادستان همچنین بر این نکته تأکید ورزید که وکیل متهم از اسناد ارائه شده توسط دفتر دادستانی، برخوردار گردیده است.^{۲۶}

شعبه تجدید نظر دادگاه در این خصوص اعلام کرد که حق برابری امکانات، با توجه به تفاسیر ارائه شده از سوی کمیته حقوق بشر و دیوان اروپایی، جزئی از محاکمه منصفانه به شمار می‌رود و دلیلی وجود ندارد که مفهوم دادرسی منصفانه مندرج در اساسنامه دادگاه یوگسلاوی از آنچه که در میثاق بین‌المللی و کنوانسیون اروپایی وجود دارد، تفکیک شود.^{۲۷} اما این حق، به شرایطی خارج از کنترل دادگاه اعمال نمی‌شود و از تفاسیر ارائه شده توسط نهادهای حقوق بشری نیز نمی‌توان استنباطی جز این نمود.^{۲۸} قضات باید حق برداشت آزادانه‌ای از مفهوم برابری امکانات، داشته باشند. بنابراین حق برابری امکانات به این معنا است که طرفین باید در مقابل دادگاه، برابر بوده و درخواست‌های ارائه شده از

24. Prosecutor V. Tadic, case No. IT-94-1, Appeals Chamber, 15 July 1999, para. 29.

25. Ibid, para. 37.

26. Ibid, para. 42.

27. Ibid, para. 44.

28. Ibid, paras. 48, 50.

سوی آنها نیز مورد پذیرش قرار گیرد.^{۲۹}

در خصوص تصمیم متخذه، نکاتی چند قابل ذکر است. نخست، حق برابری امکانات یک جزء اصلی از محاکمه منصفانه به شمار می‌رود. دبیر کل سازمان ملل نیز در گزارش خود برای تأسیس دادگاه یوگسلاوی، صراحتاً به این نکته اشاره کرده است که دادگاه در خصوص حقوق متهم باید معیارهای مندرج در ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را رعایت نماید.^{۳۰} با توجه به آنکه معیارهای مندرج در ماده ۱۴ عیناً در اساسنامه دادگاه یوگسلاوی نیز ذکر گردیده، به نظر می‌رسد منظور دبیر کل نمی‌تواند چیزی جز تبعیت از تفاسیر ارائه شده از کمیته حقوق بشر باشد. در غیر این صورت نیازی به بیان این نکته در گزارش دبیر کل وجود نداشت. اما تصمیم شعبه نشان می‌دهد اساسنامه که حاوی حقوق متهم نیز می‌باشد، باید متناسب با وضعیت خاص این دادگاه تفسیر شود. بنابراین، عدول از معیارهای حقوق بشری، امری اجتناب ناپذیر محسوب می‌گردد.

دوم، با توجه به ناتوانی دادگاه در فراهم کردن شرایط برابر میان طرفین و اظهار نظر صریح مبنی بر اینکه تفسیر این حق در دادگاه‌های ملی و بین‌المللی متفاوت است از حق برابری امکانات نیز تفسیر مضیقی صورت پذیرفته تا نه تنها دادگاه، متهم به عدم رعایت دادرسی منصفانه نشود بلکه ادعا نماید که طرفین از حقوق یکسانی نیز برخوردار بوده‌اند. سوم، بیان دادستان مبنی بر اینکه با توجه به مقررات راجع به افشای دلایل، اسناد و مدارکی را در اختیار متهم قرار داده، به تنهایی نمی‌تواند به برقراری شرایط برابر کمکی نماید زیرا، مقررات مذکور در رابطه با ادله راجع به موارد اتهامی است در حالی که متهم، نیازمند کلیه ادله از جمله، تبرئه‌کننده و تخفیف‌دهنده مجرمیت است. بدیهی است هر نوع نقض حقوق متهم نمی‌تواند منجر به فسخ کیفرخواست و توقف رسیدگی‌ها شود بلکه در

29. Ibid, paras. 53- 56.

30. S/25704., para. 106.

این وضعیت، دادگاه باید برای جبران نقض این حق، با توجه به ماده ۵ قواعد دادرسی،^{۳۱} جبران منصفانه‌ای در نظر بگیرد که می‌تواند کاهش مجازات در صورت محکومیت متهم باشد.

در خصوص دادگاه کیفری بین‌المللی، هر چند برخی معتقدند که مقررات راجع به برابری امکانات در مقایسه با دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا به نفع متهم تنظیم شده است^{۳۲} اما بررسی مقررات و تفاسیر ارائه شده از آن، صحت چنین عقیده‌ای را قابل تردید می‌سازد. در قضیه **لوپاتگا**، شعبه مقدماتی^{۳۳} با ارائه مستنداتی از اساسنامه و قواعد دادرسی و با ذکر این نکته که طرفین دادرسی باید در حضور دادگاه، ادله خود را مطرح نمایند اعلام کرد که حفاظت از اسناد محرمانه باید با رعایت حقوق متهم صورت پذیرد.^{۳۴} اما بند ۲ از ماده ۸۱ قواعد دادرسی مقرر می‌دارد که دادستان می‌تواند به منظور اینکه خدشه‌ای به تحقیقات فعلی یا آینده وارد نشود، درخواست نماید که جلساتی بدون حضور متهم^{۳۵} تشکیل شود. این مورد از جمله اقداماتی است که شعبه مقدماتی باید بر اساس بند ۴ ماده ۸۱ قواعد دادرسی به منظور تأمین محرمانه ماندن اطلاعات و حمایت از شهود و قربانیان جرم اتخاذ نماید. اما با توجه به اینکه عدم حضور متهم باعث ورود خدشه به حقوق وی و تشکیل چنین جلساتی، استثنا محسوب می‌شود، دادستان باید ثابت نماید که اولاً: چنین

۳۱. بر طبق ماده ۵ قواعد دادرسی، اگر عدم رعایت مقررات، لطمه شدیدی به یکی از طرفین وارد نماید، دادگاه می‌تواند جبران مناسبی در نظر بگیرد که با اصول اساسی انصاف، مطابقت داشته باشد.

32. Delmas – Marty, Mireille, "the contribution of comparative law to a pluralist conception of international criminal law", journal of international criminal justice, 2003, vol. 1., p. 21.

33. Pre- Trial Chamber.

34. Prosecutor V. Lubanga, case No. ICC – 01/04-01/06, 19 May 2006, paras. 5-7.

35. ex parte proceedings.

اقدامی به یکی از اهداف مهم وی کمک می‌کند. ثانیاً؛ توسل به راه حل دیگری که بتواند چنین هدفی را تأمین کند، امکان‌پذیر نیست و ثالثاً؛ منافع حاصله از چنین اقدامی بیش از خدشه‌ای است که به حقوق متهم وارد می‌شود.^{۳۶} چنین تفسیری کاملاً مطابق با رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر بوده و وکیل متهم نیز عیناً با توجه به شرایط فوق‌الذکر می‌تواند درخواست تشکیل چنین جلساتی را کند.^{۳۷}

در خصوص تصمیم مزبور نکاتی چند قابل ذکر است. نخست، شعبه مقدماتی با ذکر قضیه جاسپر مطرحه در دیوان اروپایی حقوق بشر،^{۳۸} تصمیم خود را مطابق با قضیه مزبور اعلام کرد. این در حالی است که در قضیه جاسپر، اسنادی که توسط دادستان و بدون حضور متهم در دادگاه مطرح گردید، جزء ادله اتهامی نبوده و به هیئت منصفه نیز ارائه نگردید. اما در قضیه لویانگا، مدارک ارائه شده جزء ادله اتهامی است.

دوم، با توجه به تحقیقات گسترده دادستان در خصوص جرائم بین‌المللی، همواره امکان به خطر افتادن اسناد محرمانه و یا شهود و قربانیان جرم، محتمل است و به این ترتیب تشکیل چنین جلساتی به نفع دادستان برخلاف آن‌چه که شعبه مقدماتی مطرح کرده است، نه استثناء، بلکه یک اصل محسوب می‌شود.

به این ترتیب ملاحظه می‌شود برقراری برابری ماهوی میان دادستان و متهم با توجه به تفاسیر به عمل آمده از طرف دادگاه‌های کیفری بین‌المللی امکان‌پذیر نیست و به نظر می‌رسد حتی از نظر شکلی نیز به گونه‌ای که طرفین دادرسی به اختیارات واگذار شده به قضات دادگاه‌های مزبور دسترسی داشته باشند، امکان برابری وجود ندارد.

36. Ibid, paras. 8-13.

37. Ibid, paras. 19-20.

38. jasper V. the united kingdom, 16 february 2000.

ب) ادعای استفاده طرفین دادرسی از حمایت‌های شکلی دادگاه

بر طبق ماده ۵۴ قواعد دادرسی، دادگاه یوگسلاوی اختیارات وسیعی در صدور انواع قرارها دارد به گونه‌ای که یا به صلاحدید خود و یا به درخواست هر یک از طرفین می‌تواند دستورات، احضاریه‌ها و قرارهای جلب یا تفتیش را که جهت انجام تحقیق یا به منظور تدارک یا برگزاری محاکمه ضرورت دارد صادر نماید. شعبه بدوی در قضیه بلاسکیچ، درباره مفهوم واژه ضرورت، مندرج در ماده مذکور اعلام کرد با توجه به این که منصفانه بودن و سرعت در رسیدگی از وظایف دادگاه است، واژه ضروری باید در پرتو این وظایف تفسیر شود. به همین دلیل، اسناد و مدارک مورد درخواست باید با موضوع مطروحه در دادگاه مرتبط بوده و سپس مشخص شود که چه سند یا مدرکی مورد تقاضا است. در غیر این صورت دادگاه با درخواست‌های کلی، موافقت نخواهد کرد.^{۳۹}

هر چند اعلام نظر شعبه با توجه به ماده ۵۴ شامل هر دو طرف دادرسی می‌شود اما دادستان به مراتب از موفقیت بیشتری در صدور قرار برخوردار است. این موفقیت نیز در نتیجه ساختاری است که دفتر دادستانی به عنوان یکی از نهادهای دادگاه دارد به گونه‌ای که بودجه مستقلی برای آن در نظر گرفته شده است. در اغلب موارد، جمع‌آوری اسناد و مدارک جهت صدور کیفرخواست، بیش از یک سال به طول می‌انجامد و در طول این مدت نیز دادستان می‌تواند از طریق نشست‌های غیر رسمی با مراجع دیگر، اطلاعاتی را کسب نماید. بدیهی است در چنین وضعیتی، امکان صدور قرار از ناحیه دادگاه به نفع دادستان افزایش می‌یابد.^{۴۰}

39. Prosecutor V. Blaskic, case No. IT-95-14, 18 July 1997, para. 32.

40. McIntyre, Gabrielle, "Equality Of Arms- Defining Human Rights In The Jurisprudence Of The International Criminal Tribunal For The Former Yugoslavia", Leiden Journal Of International Law, 2003, vol. 16., p. 279.

در دادگاه رواندا نیز تفسیر مشابهی از حق برابری امکانات شده است. در قضیه **کایشما**، شعبه بدوی اعلام کرد که برابری میان طرفین به معنی برابری تسهیلات و امکانات نبوده و متهم، مستحق همان منابع و امکانات دادستان نیست.^{۴۱}

در مرحله تجدید نظر، متهم اظهار داشت که با توجه به اینکه وکیل او نتوانسته به دلیل عدم اجازه دولت رواندا، قبل از تشکیل جلسه محاکمه از مکان‌هایی که در کیفرخواست از آنها نام برده شده است دیدن نماید تا به این وسیله صحت اظهارات دادستان مشخص شود و همچنین امکان شناسایی کامل شهود و احضار آنان به میزانی که در اختیار دادستان قرار داشته فراهم نبوده، محاکمات به نحو منصفانه‌ای برگزار نشده است.^{۴۲} شعبه تجدید نظر در پاسخ اعلام کرد برابری میان طرفین دادرسی، به معنای برابری منابع مالی و انسانی نبوده بلکه طرفین نباید هنگام ارائه دلایل خود نسبت به یکدیگر و یا طرح درخواست از دادگاه در وضعیت نامساعدی قرار گیرند.^{۴۳} عدم دسترسی به شهودی که در رواندا به سر می‌برند، از جمله موارد خارج از کنترل دادگاه بوده و بنابراین نقض برابری امکانات محسوب نمی‌شود.^{۴۴} اما در قضیه مذکور، دادگاه رواندا به این نکته توجهی ننموده که برابری امکانات بیشتر به معنای برابری در منابع مالی و انسانی است. در غیر این صورت، صرف اجازه دادگاه به متهم در ارائه دلایل خود که بی‌تردید قابل مقایسه با ادله دادستان نیست، نمی‌تواند به معنای برابری امکانات تلقی شود. در نتیجه ملاحظه می‌شود که حتی از لحاظ شکلی نیز آن گونه که دادگاه ادعا می‌کند، امکان برقراری برابری امکانات میان دادستان و متهم وجود ندارد و اختیاراتی که به دادگاه برای صدور قرارهای تحقیق و تفتیش اعطا

41. Prosecutor V. Kayishema, case No. ICTR-95-1, 13 March 1997, paras. 20, 60.

42. Ibid, Appeals chamber, 1 June 2001, paras, 64-65.

43. Ibid, para. 69.

44. Ibid, para. 73.

گردیده، عملاً به نفع دادستان تمام می‌شود.

تفسیر موسع از اختیارات مندرج در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی توسط شعبه مقدماتی نیز حاکی از بر هم خوردن تعادل در زمینه برابری شکلی میان دادستان و متهم است. در ۱۷ فوریه ۲۰۰۵، شعبه مقدماتی جهت نظارت بر اقدامات دادستان درباره وضعیت جمهوری دموکراتیک کنگو و با استناد به بند ۳ ماده ۵۷ اساسنامه، تصمیم به برگزاری جلسه تعیین وضعیت^{۴۵} گرفت. در بند ۳ ماده ۵۷ اساسنامه مقرر شده است که شعبه مقدماتی می‌تواند پیش‌بینی لازم را برای حمایت از شهود و قربانیان، حفظ ادله، حمایت از اسناد محرمانه ملی و حمایت از اشخاص دستگیر شده در نظر بگیرد. این تصمیم در حالی اتخاذ گردید که در قواعد دادرسی، تشکیل جلسات تعیین وضعیت صرفاً درباره متقاعد شدن شعبه مقدماتی به افشای ادله میان دادستان و متهم^{۴۶} و تعیین وقت دادرسی توسط شعبه بدوی^{۴۷} پیش‌بینی شده است.

شاید بتوان این‌گونه استدلال کرد با توجه به اینکه ممنوعیتی در این خصوص پیش‌بینی نشده، برگزاری جلسه تعیین وضعیت در هر زمانی امکان‌پذیر است. حتی اگر چنین استدلالی پذیرفته شود، باید به این نکته توجه نمود که خاستگاه جلسات تعیین وضعیت، نظام کامن‌لا بوده و باید حتماً در حضور طرفین دادرسی انجام شود.^{۴۸} برخی معتقدند با توجه به اینکه نقش شعبه مقدماتی اساساً نظارت بر دادستان در مواقعی است که بنا بر صلاحدید، تحقیقاتی را آغاز می‌کند، از نقطه نظر شکلی چنین نظارتی باید به منظور

45. status conference.

۴۶. جزء ۲ از بند ۲ ماده ۱۲۱.

۴۷. بند ۱ ماده ۱۳۲.

48. Miraglia, Michela, "the first decision of the icc pre-trial chamber- international criminal procedure under construction", journal of international criminal justice, 2006, vol. 4., p. 192.

حمایت از متهم تقویت شود. به همین دلیل، این تصمیم باعث تسریع در انجام تحقیقات و ایجاد موازنه میان دادستان و متهم می‌شود.^{۴۹} اما به نظر می‌رسد دخالت شعبه مقدماتی نه تنها باعث ایجاد شبهه در اذهان جهانیان و تقویت موضع دادستان در زمینه تحقیقات می‌شود، بلکه در مرحله محاکمه تأثیر منفی بر وضعیت متهم خواهد گذاشت. به علاوه در مراحل ابتدایی، هنوز فردی، عنوان متهم به خود نگرفته و دلایل کاملی اعم از مدارک کتبی و شهادت شهود جمع‌آوری نشده که دخالت شعبه مقدماتی قابل توجیه باشد. صرف نظر از تفاسیر ارائه شده از برابری ماهوی و شکلی میان متهم و دادستان که محدودیت‌هایی را برای متهم ایجاد نموده، سیستم افشای ادله در دادگاه‌های مزبور و تفاسیر ارائه شده از مقررات راجع به آن، باعث تشدید نابرابری میان متهم و دادستان شده است.

گفتار دوم: سیستم افشای ادله

از جمله موارد تأمین‌کننده برابری امکانات، افشای دلایل جمع‌آوری شده توسط هر یک از طرفین دادرسی است. پیش‌بینی مقررات راجع به افشای ادله، بی‌تردید می‌تواند کمک مؤثری برای متهمی تلقی شود که در بازداشت به سر برده و امکان جمع‌آوری دلایل برای او وجود ندارد.

الف) افشای دو جانبه دلایل

در قواعد دادرسی دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا مقرر شده که دادستان باید ظرف ۳۰ روز از حضور ابتدایی متهم، رونوشت اسناد و مدارکی که در مرحله تأیید کیفرخواست

49. Ibid, p. 193.

ضمیمه آن گردیده، کلیه اظهارات قبلی متهم که توسط دادستان اخذ شده، رونوشت اظهارات همه شهودی که دادستان، قصد احضار آنان به دادگاه را دارد، رونوشت همه اظهارات کتبی اخذ شده مطابق با ماده ۹۲ مکرر قواعد دادرسی^{۵۰} و رونوشت اظهارات سایر شهود دادستان، هنگامی که شعبه، تصمیم به احضار آنان می‌گیرد را در اختیار متهم قرار دهد.^{۵۱} همچنین حق نفتیش اسناد و عکس‌ها و اشیایی که در تصرف دادستان بوده و می‌تواند برای تدارک دفاع متهم، واجد اهمیت باشد و یا دادستان، قصد ارائه آنها را به عنوان ادله دارد برای متهم در نظر گرفته شده است.^{۵۲} حال اگر دادستان از اطلاعاتی آگاه است که افشای آن می‌تواند به تحقیقات بعدی لطمه وارد نماید و یا به هر علت دیگری بر خلاف مصالح عمومی تلقی می‌شود یا لطمه‌ای به امنیت یک کشور وارد می‌آورد، می‌تواند از دادگاه بخواهد که در جلسه‌ای غیر علنی به موضوع رسیدگی نماید. در این صورت، اطلاعات مذکور تنها باید در اختیار دادگاه قرار داده شود.^{۵۳}

در خصوص ماده مذکور نکاتی چند قابل ذکر است. نخست، در بند ۱ ماده ۶۶ آمده، دادستان موظف است ادله‌ای که به هنگام تأیید کیفرخواست ضمیمه آن بوده، در اختیار متهم قرار دهد. مفهوم این عبارت آن است، ادله‌ای که پس از تأیید کیفرخواست در اختیار دادستان قرار گرفته، نمی‌تواند مشمول افشای ادله قرار گیرد.

دوم، دادستان تنها به ارائه رونوشت اظهارات شهودی که قصد احضار آنان را دارد، ملزم شده است. بنابراین اظهارات اخذ شده سایر شهود، در اختیار متهم قرار نمی‌گیرد. این

۵۰. ماده ۹۲ مکرر از قواعد دادرسی، اجازه ارائه شهادتنامه به جای شهادت شفاهی را مورد پذیرش قرار داده است. طرف مقابل می‌تواند درخواست نماید که شاهد، جهت پرسش متقابل در دادگاه حاضر شود، اما تصمیم نهایی با دادگاه است.

۵۱. بند ۱ ماده ۶۶ قواعد دادرسی.

۵۲. بند ۲ ماده ۶۶ قواعد دادرسی.

۵۳. بند ۳ ماده ۶۶ قواعد دادرسی.

در حالی است که احتمال وجود مطالبی در این اظهارات می‌رود که در دفاعیات متهم، می‌تواند مؤثر واقع شود.

سوم، با توجه به بند ۲ ماده ۶۶، متهم تنها زمانی می‌تواند اشیاء و اسناد تحت کنترل دادستان را تفتیش نماید که واجد اهمیت بودن آنها را برای دفاع ثابت نماید. موضوعی که تا قبل از در اختیار گرفتن این مدارک، امکان تشخیص آن وجود ندارد.

در زمینه بند ۱ ماده ۶۶ تاکنون تصمیمات متفاوتی از سوی دادگاه یوگسلاوی اتخاذ شده است. به عنوان مثال در قضیه بردانین، متهم در دسترسی به کلیه ضمائم کیفرخواست، از جمله نام شهودی که دادستان، قصد احضار آنان را ندارد محق دانسته شده،^{۵۴} در حالی که در قضیه کوردیچ، اسناد و مدارک ضمیمه کیفرخواست، صرفاً به استادی که مبنای اتهامات قرار گرفته‌اند و نه سایر موارد اختصاص یافته است.^{۵۵}

در دادگاه رواندا و در قضایای ان یواماسوهوکو،^{۵۶} نیت گکارا^{۵۷} و کارمرا^{۵۸} این‌گونه مقرر شده است که دادستان تنها در صورتی مکلف به افشای اظهارات شهود است که در دسترس و تصرف وی باشد. بنابراین اگر شهود، اظهاراتی را نزد مقامات قضایی دولت رواندا مطرح کرده باشند و دادستان از چنین اظهاراتی آگاه شده باشد و به رغم اینکه وکیل متهم در صورت آگاهی از چنین اظهاراتی ممکن است تناقض آنها را با اظهارات شهود دادستان و یا بی اعتباری شهود ثابت نماید، دادستان مکلف به آگاه نمودن

54. Prosecutor V. Brdanin, case No. IT-99-36, 27 October 2000.

55. Prosecutor V. Kordic, case No. IT- 95- 14 / 2, 26 February 1999.

56. prosecutor V. nyiramasuhuko, case No. ICTR- 97-21-T, 18 september 2001, para. 8.

57. prosecutor V. Niyitegeka, case No. ICTR- 96-14-A, Appeals chamber, 9 july 2004, para. 35.

58. prosecutor V. karemera, case No. ICTR- 98- 44—pt, 23 february 2005, para. 7.

وکیل از چنین اظهاراتی نیست. به این ترتیب، همان گونه که برخی نیز معتقدند، دادگاه رواندا تفسیر مضیقی از قواعد دادرسی در زمینه تعهد به افشای ادله ارائه کرده است.^{۵۹}

قواعد دادرسی دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا، تعهدات دو جانبه‌ای را نیز بر عهده متهم و دادستان قرار داده‌اند. مانند آنچه که در بند ۱ ماده ۶۷ مقرر شده است که دادستان باید متهم را از نام شهودی که قصد احضار آنان برای اثبات مجرمیت متهم و رد دفاعیاتی که بر طبق همین ماده، توسط متهم صورت پذیرفته، آگاه نماید.

در بند ۳ ماده ۶۷ قواعد دادرسی نیز مقرر گردیده اگر متهم درخواست دسترسی به مدارک مندرج در بند ۲ ماده ۶۶ را نماید، باید مدارک مشابهی را جهت تفتیش دادستان در اختیار او قرار دهد.^{۶۰} به این ترتیب، به نظر می‌رسد غیر از آنچه که در ماده ۶۷ پیش‌بینی شده، متهم تعهد دیگری به افشای دلایل، نداشته باشد. اما در قضیه **دلایلیچ**، متهم ملزم به ارائه نام شهودی گردید که قصد احضار آنان را به دادگاه داشت. در این رابطه، شعبه بدوی دادگاه یوگسلاوی ضمن اشاره به آراء صادره از دیوان اروپایی و مستنداً به بند ۴ ماده ۲۱ اساسنامه و ذکر این نکته که مقرراتی در خصوص افشای نام شهود متهم در مرحله محاکمه وجود ندارد، اعلام کرد که دارای اختیارات گسترده‌ای برای برقراری سرعت در رسیدگی‌ها و محاکمه منصفانه است و اصل برابری امکانات نیز اقتضا می‌کند، همان گونه که دادستان ملزم به افشای نام شهود خود به متهم می‌باشد، متهم نیز باید مبادرت به اقدام مشابهی نماید در غیر این صورت، برابری امکانات میان طرفین نقض خواهد گردید.^{۶۱} متعاقب این تصمیم، مقررات ماده ۶۵ ثالث، به قواعد دادرسی اضافه گردید.^{۶۲}

59. de los reyes, charmaine, "Revisiting Disclosure obligations at the ICTR and its implications for the Rights of the Accused", Chinese journal of international law, 2005, vol. 4., p. 591.

۶۰. بند ۳ ماده ۶۷ در سال ۲۰۰۳ از قواعد دادرسی دادگاه یوگسلاوی حذف گردید.

61. Prosecutor V. Delalic, case No. IT – 96-21, 4 February 1998, paras. 31-48.

با اتخاذ این تصمیم به نظر می‌رسد به یکی از ویژگی‌های مهم رسیدگی‌های اتهامی مبنی بر اینکه متهم تکلیفی در کمک به دادستان ندارد، بی‌توجهی شده است.^{۶۳} زیرا، حق برابری امکانات، بیشتر به منظور رعایت حقوق متهم در نظر گرفته شده است این در حالی است که شعبه تجدید نظر دادگاه یوگسلاوی در قضا به **کوپرسکیچ**، تفسیر دیگری از مقررات مندرج در بند ۴ ماده ۲۱ ارائه کرد. در این پرونده به دستور رئیس دادگاه و برای تسریع در رسیدگی‌ها، تعدادی از شهود متهم، شهادت خود را به رغم غیبت یکی از قضات دادگاه مطرح کردند. متهم در اعتراض به این موضوع، اظهار داشت با توجه به این که کلیه شهود دادستان، در حضور تمامی قضات دادگاه ادای شهادت کرده‌اند، متهم از حق پرسش از شهود خود، تحت همان شرایطی که برای دادستان وجود داشته، محروم شده است. دادگاه در پاسخ اعلام کرد که از قواعد مربوط به نظام حقوق بشر نمی‌توان اینگونه استنباط کرد که شهود دادستان و متهم، عیناً به یک شیوه، شهادت خود را مطرح نمایند.^{۶۴} در حالی که به نظر می‌رسد، هنگام ادای شهادت توسط شهود، کلیه قضات باید در جلسه محاکمه حضور داشته باشند تا بتوانند آن را ارزیابی کنند.

مجدداً در ۳ مارس ۲۰۰۸ در جهت افزایش تعهدات وکیل به افشای ادله، قواعد دادرسی اصلاح و وکیل متهم ملزم به ارائه کلیه اسناد و مدارک و رونوشت اظهارات شهودی گردیده است که قصد طرح آنها را در مرحله محاکمه دارد.^{۶۵}

۶۲. بند ۷ ماده ۶۵ ثالث مقرر می‌کند که متهم ملزم به افشای نام شهود و خلاصه‌ای از اظهارات آنان به دادستان، قبل از شروع دفاعیات می‌باشد.

63. McIntyre, Equality of Arms, op. cit., p.175.

64. Prosecutor V. Kupreskic, case No. IT – 95-16, Appeals Chamber, 15 July 1999, paras.23-24.

65. Gustafson, Katrina and Janisiewicz, Nicole, "current Developments at the Ad hoc international criminal tribunals", journal of international criminal justice, 2008, vol. 6.,

افشای ادله در دادگاه کیفری بین‌المللی از مرحله تأیید اتهامات آغاز می‌شود. در اسانامه مقرر گردیده که ظرف مهلت معقولی قبل از شروع این مرحله،^{۶۶} نسخه‌ای از مدرک حاوی موارد اتهامی و ادله‌ای که دادستان قصد ارائه آنها را دارد تحویل متهم شود.^{۶۷} بر طبق بند ۲ ماده ۱۲۱ قواعد دادرسی نیز، شعبه مقدماتی موظف است در زمینه افشای ادله، تصمیمات لازم را اتخاذ نماید. در بادی امر به نظر می‌رسد متهم حق داشته باشد از کلیه اسناد و مدارک، از جمله نام و اظهارات شهودی که دادستان در این مرحله، قصد استناد به آنها را دارد مطلع شود و هر چند در قواعد دادرسی، صرفاً به ارائه لیستی از ادله دادستان به متهم، سخن به میان آمده است اما با توجه به این که در جلسه تأیید اتهامات، متهم می‌تواند در مقام ایراد به ادله ابرازی دادستان برآید،^{۶۸} این امر مستلزم آن است که از قبل، نسبت به محتوای ادله، آگاه شده باشد. در همین راستا، شعبه مقدماتی در قضیه **لوبانگا** اعلام نمود که دادستان باید نام و اظهارات شهودی که قصد ارائه آنها را در مرحله تأیید اتهامات دارد در اختیار وکیل متهم قرار دهد مگر اینکه اوضاع و احوال استثنایی مانع افشای هویت شاهد در این مرحله شود.^{۶۹}

در ماده ۷۷ قواعد دادرسی نیز پیش‌بینی گردیده که با در نظر گرفتن محدودیت‌های راجع به افشای ادله، دادستان باید به متهم اجازه دهد که هر سند، عکس یا اشیاء دیگری که در تصرف دارد و برای تدارک دفاع متهم حائز اهمیت بوده یا دادستان، قصد ارائه آنها را در مرحله تأیید اتهامات یا محاکمه به عنوان ادله دارد، مورد تفتیش قرار دهد. در خصوص ماده مذکور نکاتی قابل ذکر است. نخست، اگر دادستان قصد ارائه اسناد فوق‌الذکر را

←
p. 1122.

۶۶. در ماده ۱۲۱ قواعد دادرسی، این مهلت، ۳۰ روز در نظر گرفته شده است.

۶۷. بند ۳ ماده ۶۱ اسانامه.

۶۸. بند ۶ ماده ۶۱ اسانامه.

69. Lubanga case, op. cit., paras. 28, 30.

نداشته باشد و یا برای تدارک دفاعیات متهم حائز اهمیت نباشد، امکان افشای آنها نیز وجود نخواهد داشت. بنابراین از یک سو، دادستان موفق به جمع‌آوری ادله‌ای شده که ممکن است در صورت دسترسی متهم به آنها، سایر ادله ارائه شده جهت اثبات مجرمیت را با تردید مواجه سازد و از سوی دیگر، تنها به دلیل آن که دادستان قصد ارائه آنها را به عنوان دلیل ندارد، متهم از دسترسی به آنها محروم می‌شود. نکته مهم دیگری که در این راستا قابل اشاره است، محدود شدن افشای ادله در مرحله تأیید اتهامات توسط دادستان است. زیرا، شعبه مقدماتی در قضیه **لویاتکا** اعلام کرد، دادستان ملزم به ارائه کلیه ادله مجرمیت در مرحله تأیید اتهامات نیست. به ویژه ادله‌ای که دادستان اتکاء کمتری به آن دارد.^{۷۰}

دوم، در قواعد دادرسی مشخص نشده است که حائز اهمیت بودن مدارک، با چه معیاری باید سنجیده شود؟ و با توجه به عدم دسترسی متهم به پرونده، چگونه باید مشخص شود که ادله مندرج در آن برای تدارک دفاعیات متهم حائز اهمیت است؟ با توجه به آن که شعبه مقدماتی صرفاً از ادله افشا شده میان طرفین آگاه می‌شود^{۷۱} به نظر می‌رسد تنها مرجع شناسایی چنین ادله‌ای دادستان باشد.

محدودیت دیگری که متهم در این مرحله با آن مواجه است، مقررات راجع به محافظت از اطلاعات محرمانه ملی است که در ماده ۷۲ اساسنامه، پیش‌بینی شده است. یکی از این موارد، ادله‌ای است که در مرحله تأیید کیفرخواست باید در اختیار متهم قرار گیرد اما افشای آنها می‌تواند به امنیت ملی یک کشور، لطمه وارد نماید. در چنین وضعیتی، امکان افشای آن ادله مگر با موافقت دولت ذی‌نفع وجود نخواهد داشت. به این ترتیب متهم از آگاهی نسبت به اسناد و مدارکی که در مرحله تأیید کیفرخواست می‌تواند باعث

70. Ibid, para. 34.

۷۱. بند ۲ ماده ۱۲۱ قواعد دادرسی.

رد اتهامات مطروحه علیه وی شود، محروم می‌گردد.

مرحله بعدی افشای ادله، افشای پیش از محاکمه است که در ماده ۷۶ قواعد دادرسی پیش‌بینی شده است. بر طبق ماده مذکور: ۱- دادستان باید نام و اظهارات شهودی که قصد احضار آنان را به دادگاه دارد در اختیار متهم قرار دهد. ۲- دادستان باید متعاقباً نام و اظهارات شهود دیگری که دادگاه تصمیم به احضار آنان گرفته را در اختیار متهم قرار دهد. ... نکاتی چند در خصوص این ماده قابل طرح است. نخست، به نظر می‌رسد در این مرحله نباید هیچ‌گونه محدودیتی در افشای هویت شهود و یا اسناد محرمانه وجود داشته باشد. اما بند ۴ ماده ۷۶، مجدداً حمایت از شهود و اطلاعات محرمانه را از مواردی دانسته که باعث عدم افشای آنها می‌شود.

دوم، همانند قواعد دادرسی دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا، متهم تنها از اظهارات شهودی آگاه می‌شود که دادستان قصد احضار آنان را دارد.

سوم، در ادامه بند ۱ ماده ۷۶ آمده است که نام و اظهارات شهود باید در فرصت مناسبی قبل از محاکمه در اختیار متهم قرار گیرد. این در حالی است که حتی در بند ۲، چنین عبارتی پیش‌بینی نشده است. به این ترتیب، مشخص نیست که دادگاه برای تدارک دفاعیات متهم، چه مدت زمان را تا قبل از شروع محاکمه در اختیار نامبرده قرار می‌دهد؟ تنها ماده‌ای که در قواعد دادرسی به این موضوع اختصاص یافته است، ماده ۱۰۱ قواعد دادرسی است. در بند ۱ ماده مذکور مقرر گردیده: «دادگاه مکلف است در تعیین مدت برای انجام رسیدگی‌ها، عواملی همچون منصفانه بودن و سرعت در دادرسی را مد نظر قرار داده و در این رابطه، اهمیت ویژه‌ای برای حقوق متهم و قربانیان جرم قائل شود.»

اما شاید مهم‌ترین محدودیت راجع به افشای ادله را بتوان ماده ۸۲ قواعد دادرسی دانست. بر طبق این ماده، اگر اسناد و مدارکی بر طبق بند ۳ ماده ۵۴ در اختیار دادستان قرار

گرفته،^{۷۲} وی نمی‌تواند این دلایل را بدون رضایت ارائه‌کننده و افشای قبلی آن برای متهم، به عنوان دلیل در محکمه مطرح نماید. اما اگر با توجه به شرایط فوق‌الذکر، این اسناد و مدارک به عنوان دلیل مطرح گردید، دادگاه نمی‌تواند نامبرده را به عنوان شاهد، احضار و یا او را ملزم به حضور در دادگاه نماید. در صورتی نیز که دادستان، شاهی را در دادگاه احضار تا اطلاعاتی را که بر اساس بند ۳ ماده ۵۴ اساسنامه به دست آمده‌اند را به عنوان دلیل مطرح کند، دادگاه نمی‌تواند در صورت امتناع شاهد، نامبرده را مجبور به دادن پاسخ درباره اطلاعات مذکور و منبع اصلی آن نماید.

بنابراین از یک سو، امکان به احضار ارائه‌کننده اطلاعات وجود نداشته و به همین دلیل، با محروم شدن متهم از حق پرسش متقابل، امکان ارزیابی کامل اسناد و مدارک از بین می‌رود و از سوی دیگر، چنین اطلاعاتی بر طبق بند ۲ ماده ۶۳ قواعد دادرسی که به موجب آن دادگاه می‌تواند ارزیابی آزادانه‌ای از ادله داشته باشد به عنوان دلیل در دادگاه مورد بررسی قرار گرفته و می‌تواند مبنای محکومیت واقع شود.

اما در خصوص تعهدات متهم به افشای ادله بر طبق ماده ۷۹ قواعد دادرسی، متهم باید دادستان را از قصد خود دایر بر طرح دفاعیات عدم حضور در محل ارتکاب جرم و یا عدم مسئولیت به لحاظ اختلال روانی و یا مستی آگاه کرده و دلایل راجع به آنها را نیز ارائه کند. در این مورد، دادگاه می‌تواند جلسه محاکمه را به تعویق اندازد تا دادستان فرصت کافی برای بررسی و ارزیابی ادله را داشته باشد. تعویق جلسه محاکمه به نفع دادستان در حالی در قواعد دادرسی پیش‌بینی شده است که ادله‌ای که دادستان در اختیار متهم قرار می‌دهد، علی‌الاصول از حجم بیشتری برخوردار بوده و وقت بیشتری را نیز می‌طلبد اما

۷۲. بر طبق بند مذکور، دادستان می‌تواند موافقت نماید که در هیچ یک از مراحل رسیدگی، اسناد و اطلاعاتی را که به شرط محرمانه ماندن و صرفاً به منظور ارائه ادله جدید به دست آورده، مگر با رضایت ارائه‌کنندگان آن اسناد و اطلاعات، افشا نکند.

چنین فرصتی برای متهم در نظر گرفته نشده است.

نکته‌ای که در انتها باید به آن اشاره نمود آن است که در قواعد دادرسی، مقرراتی دائر بر آن که شعبه بدوی بتواند قبل از شروع محاکمه، از ادله مبادله شده میان متهم و دادستان آگاهی یابد پیش‌بینی نشده است. در هنگام تصویب قواعد دادرسی، برخی از هیئت‌های نمایندگی بر این اعتقاد بودند که اگر شعبه بدوی از ادله افشا شده آگاهی یافته و متعاقباً ادله مذکور به عنوان دلیل در جلسه محاکمه مطرح نشوند، این احتمال وجود دارد که قضات دادگاه در حین صدور حکم، تحت تأثیر چنین ادله‌ای قرار گیرند.^{۷۳} اما به نظر می‌رسد با توجه به آن که بر طبق ماده ۷۴ اساسنامه، رأی صادره باید مستدل و بر اساس ادله ارائه شده باشد، قضات دادگاه نمی‌توانند مبنای رأی خود را بر ادله‌ای که ارائه نشده است استوار گردانند.

تعهد دیگری که بر طبق اساسنامه و قواعد دادرسی بر عهده دادستان نهاده شده، افشای ادله تبرئه کننده است. به نظر می‌رسد چنین تعهدی بتواند بخشی از نابرابری به وجود آمده در مرحله افشای دو جانبه دلایل را جبران نماید.

ب) افشای ادله تبرئه کننده

از جمله تعهدات دیگری که برای دادستان در قواعد دادرسی دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا در نظر گرفته شده، افشای ادله تبرئه کننده بر طبق ماده ۶۸ قواعد دادرسی است. در این ماده مقرر شده اگر دادستان نسبت به ادله‌ای که باعث کاهش مجرمیت یا تبرئه متهم شده و یا به نحو دیگری بر اعتبار ادله دادستان تأثیر می‌گذارد آگاهی یابد، باید آنها را فاش

73. Brady, "Disclosure Of Evidence" In Roy s. Lee and others (eds.), the international criminal court: Elements of crimes and rules of procedure and evidence, transnational publishers inc, 2001. p. 425.

نماید. همان‌گونه که در قضیه **بلاسکیچ** نیز توسط شعبه تجدید نظر مطرح گردیده، حداقل تا زمان صدور حکم، دادستان متعهد به افشای چنین ادله‌ای است^{۷۴} و بنا به نظر شعبه بدوی در قضیه **کرنویلاچ**، اعتقاد دادستان مبنی این که در پایان دادرسی ممکن است ادله تبرئه‌کننده از طرف دادگاه مورد پذیرش قرار نگیرند، باعث از بین رفتن تعهد نامبرده به افشای آن نمی‌شود.^{۷۵}

سؤال قابل طرح این است آیا همان‌گونه که برخی نیز معتقدند^{۷۶} تحمیل مجازات می‌تواند باعث اجبار به افشای چنین ادله‌ای شود؟ به نظر می‌رسد هر چند در ماده ۶۸ مکرر قواعد دادرسی اینگونه مقرر شده که قاضی مرحله مقدماتی می‌تواند بنا به صلاحدید خود یا درخواست یکی از طرفین دادرسی، مجازات‌هایی را برای نقض تکلیف افشای ادله در نظر بگیرد، اما نه تنها قاضی مزبور مکلف به انجام چنین اقدامی نشده، بلکه حتی نوع چنین مجازات‌هایی نیز مشخص نشده است.

اما اینکه وظیفه‌ای نیز جهت جمع‌آوری ادله تبرئه‌کننده به عنوان مقدمه‌ای بر ایفاء تعهد دادستان، وفق ماده ۶۸ در نظر گرفته شده است؟ به رغم بیان شعبه بدوی دادگاه یوگسلاوی در قضیه **کوپرسکیچ**، دایر بر این که هدف دادستان نباید تنها محکومیت متهم بوده بلکه باید پرونده را به گونه‌ای آماده نماید که هم شامل ادله مجرمیت و هم تبرئه‌کننده باشد تا دادگاه به کشف حقیقت نائل آید،^{۷۷} هیچ یک از مقررات اساسنامه و قواعد

74. Prosecutor V. Blaskic, Appeals Chamber, 26 September 2000, para.31.

75. Prosecutor V. Kmojelac, case No. IT-97-25, 14 September 1999 – Status Conference.

76. Higgins, Gillian, "Fair and expeditious pre-trial proceedings - the Future of international criminal trials", journal of international criminal justice, 2007, vol. 5., p. 395.

77. Prosecutor V. Kupreskic, 21 September 1998.

دادرسی وظیفه‌ای در این زمینه بر عهده دادستان قرار نداده‌اند. بنابراین احتمال نادیده گرفتن ادله تبرئه‌کننده هنگام مواجهه با آنها در حین تحقیقات وجود دارد. حتی اگر دادستان، کلیه ادله اعم از مجرمیت و تبرئه‌کننده را نیز جمع‌آوری نماید، مجبور به افشای آن نخواهد بود. شعبه بدوی در قضیه بلاسکیچ اعلام کرد که اتخاذ تصمیم در مورد این که چه ادله‌ای تبرئه‌کننده هستند، در صلاحدید دادستان بوده و دادگاه در این زمینه دخالتی نمی‌کند و بار اثبات وجود دلایل تبرئه‌کننده با متهم است.^{۷۸}

در قضیه سیکوریچا، شعبه در تأیید نظر قبلی خود، با رد درخواست وکیل متهم مبنی بر اجبار دادستان به افشای ادله تبرئه‌کننده اعلام کرد با توجه به این که متهم قبلاً از طریق سیستم افشای متقابل دلایل به مدارکی دست یافته، برای دسترسی به مدارک تبرئه‌کننده باید ثابت نماید که مدارک مذکور در اختیار دادستان قرار دارند و ارتباط آن مدارک را با قضیه مطروحه مشخص نماید در غیر این صورت، نظر به این که صلاحدید تشخیص چنین دلایلی با دادستان است، اجبار نامبرده امکان‌پذیر نیست. علاوه بر این که چنین درخواستی از سوی وکیل، باعث اطاله دادرسی می‌شود.^{۷۹}

به نظر می‌رسد واگذاری صلاحدید تشخیص ادله تبرئه‌کننده به دادستان، در جهت سرعت بخشیدن به دادرسی صورت پذیرفته اما اعطای چنین اختیاری از یک سو باعث می‌شود که امکان بررسی پرونده با توجه به حجم بالای آن وجود نداشته باشد و از سوی دیگر، حتی با فرض چنین موردی، این احتمال وجود دارد که مدرکی از نظر دادستان، تبرئه‌کننده یا تخفیف‌دهنده مجرمیت به شمار نیاید اما از نظر وکیلی که با کوچک‌ترین دلیل، قصد تبرئه موکل خود را دارد، مفید و مؤثر تلقی شود. به‌ویژه با توجه به این که

78. Prosecutor V. Blaskic, op.cit., para.39.

79. Prosecutor V. Sikirica, case No. IT-95-8, 31 August 2001.

قضات دادگاه باید در محکومیت متهم، معیار بدون شک معقول را رعایت نمایند.

شعبه بدوی دادگاه رواندا نیز مبادرت به تفاسیر مشابهی از مقررات راجع به ادله تبرئه کننده نموده است. در قضیه باگلیشما، شعبه بدوی اعلام کرد ماده ۶۸ دارای دو جزء آگاهی دادستان و وجود ادله تبرئه کننده است. تفسیر تحت الفظی واژه آگاهی آن است که صرف اطلاع از وجود چنین دلایلی که ممکن است در دسترس طرف ثالثی باشد، برای ایجاد مسئولیت دادستان کافی است. اما پذیرش این تفسیر باعث می شود که درخواست های بی شماری در دادگاه ثبت شده و دادستان را مسئول تحقیق و افشای موضوعاتی نماید که طرف درخواست کننده ادعا می کند دادستان نسبت به آنها آگاهی دارد. این وضعیت با ماده ۱۵ اساسنامه که دادستان را مستقلاً مسئول انجام تحقیقات، بدون دریافت دستور از هر شخص یا گروهی دانسته، منافات پیدا می کند. به همین دلیل، واژه آگاهی به این معنا است که دادستان، عملاً چنین اسنادی را در اختیار داشته باشد.^{۸۰}

در حالی که به نظر می رسد واژه آگاهی اعم از آگاهی نسبت به اسناد در تصرف اشخاص ثالث و یا تصرف تیم های تحقیقاتی دادستان است. بنابراین اگر تفسیر دادگاه پذیرفته شود، متهم از اسناد تبرئه کننده ای که در اختیار سایر اشخاص قرار داشته و دادستان نیز از آن آگاه است، محروم می شود. حتی اگر تفسیر ارائه شده از دادگاه نیز صحیح تلقی شود، صلاحدید تشخیص این ادله به عنوان تبرئه کننده با دادستان است و متهم باید ثابت نماید که ادله ای با چنین ماهیتی، در اختیار دادستان بوده و به قضیه مطروحه در دادگاه ارتباط پیدا می کند. این در حالی است که با توجه به عدم دسترسی متهم به پرونده دادستان، اثبات چنین مواردی تقریباً غیر ممکن است.

از طرف دیگر، ماده ۱۵ اساسنامه مقرر کرده دادستان در انجام تحقیق، مستقل عمل

80. Prosecutor V. Bagilishema, case No. ICTR-95-1, 8 June 2000, paras. 6-7.

نموده و از ناحیه دولت‌ها یا منابع دیگر، دستوری دریافت نکند. بنابراین درخواست متهم از دادستان به افشای ادله تبرئه‌کننده‌ای که نسبت به وجود آنها نزد شخص ثالث آگاهی دارد، بر خلاف نظر دادگاه، مداخله در امر تحقیق به شمار نمی‌رود.

التهایه به نظر می‌رسد مجموع مقررات مندرج در قواعد دادرسی به گونه‌ای تنظیم شده که دادستان تشویق به جمع‌آوری ادله تبرئه‌کننده نمی‌شود.^{۸۱}

در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی مقرر گردیده که دادستان باید به منظور کشف حقیقت، تحقیقات خود را شامل کلیه وقایع و ادله نموده و به همین منظور، کلیه اوضاع و احوالی را که به نفع و علیه متهم می‌باشد مورد بررسی قرار دهد.^{۸۲} به این ترتیب بر خلاف دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا، وظیفه جمع‌آوری ادله تبرئه‌کننده بر عهده دادستان نهاده شده است. حال با توجه به اینکه ادله تبرئه‌کننده، نقش مهمی در کشف حقیقت ایفا می‌کند، آیا وظیفه‌ای بر عهده دادستان، دایر بر افشای آنها نهاده شده است یا خیر؟ در بند ۲ ماده ۶۷ اساسنامه مقرر شده: «علاوه بر موارد دیگری که در این اساسنامه راجع به ارائه مستندات به متهم مقرر شده، دادستان باید به محض آنکه امکان‌پذیر شد، مستندات را که در اختیار و یا تحت کنترل خود داشته و معتقد است که مبین بی‌گناهی متهم است و یا مجرمیت وی را تخفیف می‌دهد و یا بر اعتبار مستندات بازجویی، تأثیر می‌گذارد به متهم ارائه دهد. در صورت تردید در اعمال این بند، اتخاذ تصمیم با دادگاه خواهد بود.» در خصوص این بند نکاتی چند، قابل ذکر است.

نخست، مستندات باید در تصرف دادستان باشد. به عبارت دیگر، آگاهی دادستان از

81. Jackson, John, "finding the Best Epistemic fit for international criminal tribunals – Beyond the Adversarial – inquisitorial Dichotomy", Journal of international criminal justice, 2009, vol. 7., p. 25.

۸۲. جزء ۱ بند ۱ ماده ۵۴.

وجود اسناد تبرئه کننده‌ای در اختیار هر شخصی حقیقی یا حقوقی، به معنای تصرف و کنترل نبوده و وظیفه‌ای در جهت آگاه نمودن متهم از چنین اسنادی نیز بر عهده دادستان، نهاده نشده است.

دوم، دادستان باید اعتقاد به تبرئه کنندگی اسناد داشته باشد. بنابراین صلاحیت تشخیص این موضوع نیز به دادستان واگذار شده است، در حالی که حجم ادله جمع‌آوری شده توسط تیم تحقیقاتی، اجازه بررسی کلیه ادله را به دادستان نمی‌دهد. اما این که چه کسی می‌تواند در اعمال این بند، تردید نماید؟ با توجه به اطلاق عبارت، نه تنها دادستان بلکه متهم و حتی دادگاه نیز می‌تواند نظرات خود را درباره موضوع مطرح نمایند. اما ماده ۸۳ قواعد دادرسی مقرر کرده: «دادستان می‌تواند به محض آن که امکان‌پذیر شد، درخواست تشکیل جلسه‌ای را بدون حضور متهم از دادگاه نماید تا تصمیمی در خصوص بند ۲ ماده ۶۷ اتخاذ شود.» بنابر این حتی در صورت تردید در اعمال بند ۲ ماده ۶۷، دادستان مکلف به درخواست تشکیل چنین جلسه‌ای نشده است. ممکن است استدلال شود در هیچ یک از مقررات اساسنامه و قواعد دادرسی، منعی برای درخواست متهم به تشکیل جلسه بر اساس اختیارات دادگاه، وفق بند ۳ ماده ۶۴ اساسنامه^{۸۳} مشاهده نمی‌شود.^{۸۴} حتی اگر چنین استدلالی پذیرفته شده و به درخواست متهم جلسه‌ای تشکیل شود، به نظر می‌رسد تا زمانی که متهم نتواند ثابت نماید که ادله تبرئه کننده‌ای در اختیار دادستان وجود دارد، دادگاه در این خصوص اتخاذ تصمیم نخواهد کرد.

^{۸۳} بر طبق این بند، دادگاه باید برای ارائه مستندات که قبلاً ارائه نشده‌اند، ترتیبی اتخاذ نماید تا امکان تدارک محاکمه، فراهم شود.

^{۸۴} Brady, op. cit., p. 412.

نتیجه‌گیری

به رغم گذشت سالیان متمادی از تصویب اسناد بین‌المللی و تفاسیر ارائه شده از طرف نهادهای نظارتی حقوق بشر، شاهد ارائه تفاسیری از دادگاه‌های کیفری بین‌المللی هستیم به گونه‌ای که به نظر می‌رسد امکان ایجاد برابری میان طرفین دادرسی را از بین برده است. صرف نظر از تفاسیر مزبور، مزایایی نیز در اختیار دادستان قرار گرفته است که باعث تشدید نابرابری شده است.

دادسرای دادگاه کیفری بین‌المللی به عنوان یک رکن مستقل، دارای یک دادستان به عنوان اداره کننده امور دادستانی با اختیارات کامل بوده^{۸۵} و بر طبق ماده ۴۸ اساسنامه، از امتیازات و مصونیت‌هایی که برای رؤسای هیئت‌های دیپلماتیک شناسایی شده، برخوردار است و پس از انجام مأموریت نیز دارای مصونیت قضایی در رابطه با گفتار و نوشتار و اعمال مربوط به اجرای وظایف رسمی خود می‌باشد. دادستان می‌تواند در قلمرو هر کشوری، مبادرت به تحقیقات نماید، از هر کشور یا سازمان بین‌الدولی بخواهد که با وی همکاری نموده و با این نهادها، موافقتنامه‌هایی را منعقد نماید.^{۸۶} اما متهم و وکلای او از هیچ یک از این مزایا بهره‌مند نبوده و صرفاً متکی به ادله دادستان می‌باشند و به این‌سان امکان دفاعیات مطلوب را نیز از دست می‌دهند.

دادگاه‌های کیفری بین‌المللی که با هدف تعقیب مجرمین و مجازات آنان برای دستیابی به صلح و امنیت در جهان ایجاد شده‌اند نمی‌توانند صرفاً به حقوق قربانیان جنایات توجه داشته باشند، بلکه برای حفظ شأن و اعتبار خود ملزم به رعایت حقوق متهم نیز هستند.

۸۵ ماده ۴۲ اساسنامه.

۸۶ ماده ۱۵۴ اساسنامه.

منابع

الف) فارسی

۱. آشوری، محمد؛ «مفاهیم عدالت و انصاف از دیدگاه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر»، محمد، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، محمد آشوری و دیگران، زیر نظر محمد آشوری، تهران، نشر گرایش، چ اول، ۱۳۸۳.
۲. آشوری، محمد؛ آیین دادرسی کیفری، ج دوم، تهران، انتشارات سمت، چ هفتم، ۱۳۸۵.
۳. امیدی، جلیل؛ «دکتر آشوری و حقوق دفاعی متهم»، علوم جنایی، (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، تهران، انتشارات سمت، چ اول، ۱۳۸۳.
۴. ضیایی بیگدلی، محمدرضا؛ حقوق بین الملل عمومی، انتشارات گنج دانش، چ پانزدهم، ۱۳۸۰.
۵. فن گلان، گرهارد؛ درآمدی بر حقوق بین الملل عمومی، چ اول، ترجمه داود آقایی با همکاری محمدحسین حافظیان، نشر میزان، چ اول، ۱۳۷۸.
۶. لازرژ، کریستین؛ درآمدی به سیاست جنایی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی، چ اول، نشر میزان، ۱۳۸۲.
۷. لوین، لیا؛ پرسش و پاسخ درباره حقوق بشر، ترجمه محمد جعفر پوینده، چ اول، نشر قطره، ۱۳۷۷.

ب) لاتین

1. Bassiouni, M. Cherif With The Collaboration Of Alfred Dezayas, The Protection Of Human Rights In The Administration Of Criminal Justice. A Compendium Of United Nations Norms And Standards, Transnational Publishers Inc, 1994.

2. Brady, "Disclosure Of Evidence" In Roy s. Lee and others (eds.), the international criminal court: Elements of crimes and rules of procedure and evidence, transnational publishers inc, 2001.
3. de Bertodano, Sylvia, "what price Defence? Resourcing the Defence at the lcty", journal of international criminal justice, 2004, vol. 2.
4. Delmas – Marty, Mireille, "the contribution of comparative law to a pluralist conception of international criminal law", journal of international criminal justice, 2003, vol. 1.
5. de los reyes, charmaine, "Revisiting Disclosure obligations at the ICTR and its implications for the Rights of the Accused", Chinese journal of international law, 2005, vol. 4.
6. Elzeidy, Mohamed M, "Critical thoughts on Article 59(2) of the lcc statute", journal of international criminal justice, 2006, Vol. 4.
7. Fawcett, J.E.S, The Application Of The European Convention On Human Rights, Second Edition , Oxford University Press, 1987.
8. Gustafson, Katrína and janisiewicz, Nicole, "current Developments at the Ad hoc international criminal tribunals", journal of international criminal justice, 2008, vol. 6.
9. Higgins, Gillian, "Fair and expeditious pre-trial proceedings - the Future of international criminal trials", journal of international criminal justice, 2007, vol. 5.
10. Jackson, John, "finding the Best Epistemic fit for international criminal tribunals – Beyond the Adversarial – inquisitorial Dichotomy", Journal of international criminal justice, 2009, vol. 7.

11. McIntyre, Gabrielle, "Equality Of Arms- Defining Human Rights In The Jurisprudence Of The International Criminal Tribunal For The Former Yugoslavia", Leiden Journal Of International Law, 2003, vol. 16.
12. Miraglia, Michela, "the first decision of the icc pre-trial chamber- international criminal procedure under construction", journal of international criminal justice, 2006, vol. 4.
13. Safferling, christoph j. M, towards an international criminal procedure, first published, oxford university press, 2001.
14. Schabas, William A, An Introduction To The International Criminal Court, Cambridge University Press, 2001.
15. Spencer, J.R, "The English System" In Mireille Delmas- Marty And J.R. Spencer (eds.), European Criminal Procedures, First Published, Cambridge University Press, 2002.
16. Zappala, Salvatore, "the rights of the Accused" In Antonio Cassese , Paola Gaeta And John R.W.D.Jones (eds.), The Rome Statute Of The International Criminal Court: A Commentary, Vol.II., Oxford University Press, 2002.